

فهرست مطالب بخش اول

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۱	اشاره و یادآوری
	فصل اول
۱۳	نگاهی به تاریخ موسیقی
	فصل دوم
۱۵	موسیقی ایرانی در رهگذر حوادث زمان
	فصل سوم
۲۱	تاریخچه
	فصل چهارم
۲۵	شجره‌نامه روایت موسیقی سنتی ایران (ردیف‌سازی)
	فصل پنجم
۳۷	استاد شهنازی
	ضمیمه
	منابع

فصل اول

نگاهی به تاریخ موسیقی

پیشگفتار

هرگز نمی‌توان دوران پیدایش موسیقی ابتدایی بشر را به تحقیق حدس زد؛ اما به جرأت می‌توان گفت که پیدایش موسیقی با خلقت جهان همراه بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که پیدایش موسیقی، مقدم بر پیدایش زبان بوده است؛ این موسیقی از صداهای مهار نشده و فریادگونه‌ای به وجود آمده که انسان‌های نخستین برای ایجاد ارتباط و بیان دردها و شادی‌ها و ابراز تأثرات روحی مختلف از آن مدد می‌جستند، در این مورد مدرک مدّونی از زمان‌های دور در دست نداریم و این بدان جهت است که در مورد موسیقی امکان ثبت آثار و اصوات در اختیار بشر نبوده است؛ این عدم اطلاع، در مورد موسیقی ملّی خودمان حتی برای دوران‌های نه‌چندان دور نیز وجود دارد.

موسیقی نیز همچون سایر هنرها (رقص، شعر، تئاتر و...) جنبه‌های مذهبی و آیینی و مقدّس داشته و نوعی عبادت محسوب می‌شده است. اقوام بدوی هنوز هم موسیقی را همچون انسان‌های اولیه به صورت نوعی عبادت به کار می‌برند که شدیداً ریتمیک و همراه با حرکات تند بدن است. در یافته‌های به دست آمده از موسیقی، تنها از کشورهای هند، چین، مصر، آشور و بابل اطلاعاتی در دست است و بدین صورت در پنج‌هزار سال پیش نزد اقوام آشوری و بابلی به سیتاری برمی‌خوریم که یازده سیم داشته است.

در موسیقی ابتدایی، نغمه‌ها از فواصل معین و محدودی ترکیب شده و به طور کلی براساس سیستم پنج‌صدایی (Pentatonique) استوار بوده است و هنوز هم بین بسیاری از ملل مشرق زمین رواج دارد.

با تأسف باید گفت: موسیقی اغلب سرزمین‌های باستانی در پرده ابهام مانده است. تنها موسیقی یونان به دلیل وجود رسالات بسیاری که از دوران قدیم باقی مانده و تحلیل‌های تئوریک که بر روی آن صورت گرفته از این قاعده مستثنی است. موسیقی یونان دارای چندین گام پایین‌رونده هفت‌صدایی بوده که صرفاً برای ملودی‌ها و نغمه‌های آوازی به کار می‌رفته است. پایه‌ریزی تئوریک موسیقی یونان توسط فیثاغورثیان صورت گرفته و به وسیله ارسطو بسط و گسترش یافته است. ارسطو وجوه مختلف موسیقی از جمله، عملکرد اجتماعی - اخلاقی آن را مورد بحث قرار داد. او بر این اعتقاد بود که این پدیده حسی و گوناگونی جنس صداها و انواع مدهایی که به کار گرفته می‌شود؛ نقش بسیار عظیم و نافذی در برانگیختن هیجانات و احساسات انسانی دارد.

با اطمینان می‌توان ادعا کرد که قوم و قبیله یا ملّتی را نمی‌توان شناخت که موسیقی خاص خود را نداشته باشد. حتی در قبایل غیرمتمدن آفریقایی که با هنرهای دستی اولیه، نظیر پارچه‌بافی و حصیربافی و سفالگری بیگانه‌اند، موسیقی وجود دارد. سرزمین ما نیز از نظر وسعت، غنا و تنوع موسیقی یکی از سرزمین‌های مطرح جهان است. برخی بر این عقیده‌اند که چنانچه ترانه‌ها و سازهای محلّی ما در سراسر کشور جمع‌آوری گردد به رقمی بالای

نمودار کوک تار و رُباب

رُباب		تار	
Do	دوسیم اول	Do	دوسیم اول
La	دو سیم دوم	Sol	دو سیم دوم
Do	دو سیم آخر	Do	دو سیم آخر

در نمودار فوق ملاحظه می‌گردد که کوک تار و رباب با اختلاف جزئی سیم‌های دوم یکی است^۱ ولی وسعت تار یک اکتاو بیشتر از رباب است این اختلاف به لحاظ طول دسته تار و سه تار است که از طول دسته تنبور خراسانی گرفته شده است.

عود
در نفائس الفنون تألیف شمس‌الدین محمد آملی از علماء قرن هشتم هجری (در صفحه ۱۰۰) آمده است که: عود را پنج وتر زوج ساختند و ذوالاربع اول را اَعْنی «بر وزن معنی» آن که بالای همه است بم خوانند و ثانی آن را مَثَلث و ثالث را مَثْنی و رابع را زیر و خامس را حاد. در پاورقی کتاب در ترتیب سیم‌های عود آمده است که پنج تارند متفق با هم حاد و زیر و مَثْن و مَثَلث و بم. نتیجه اینکه:

در تبدیل بریط به عود (از لحاظ وسعت) بریط را دارای چهار سیم جدا از هم به حساب آورده‌اند و سپس یک سیم دیگر نیز به آن‌ها اضافه کرده‌اند و برای تقویت صدادهی عود هر پنج سیم را دوبله کرده‌اند. (مانند سیم‌های رباب) ولی برای وسعت صدای تار و سه تار، طول دسته را مانند تنبور خراسانی بلندتر کرده‌اند.^۲

قدمت تار شش سیم
در کتاب یادبودهای سفارت استانبول نگاشته خان ملک ساسانی (صفحه ۱۹۵) می‌خوانیم که: بعد از آن که عثمانی‌ها استانبول را گرفتند در زمان شاه صفی که سلطان مراد چهارم بغداد را از ایران گرفت و سی هزار ایرانی را قتل عام کرد؛ شاه‌قلی استاد موسیقی را دست‌بسته^۳ به حضور آوردند. شاه‌قلی رو به سلطان کرد و گفت من برای زندگی خودم اهمیت قائل نیستم ولی برای هنر التماس می‌کنم یک تار شش سیمه خواست که فوراً حاضر کردند... هنرمندیش مورد توجه سلطان واقع شده و او را همراه خودش به استانبول بود. رواج موسیقی ایران در پایتخت امپراطوری عثمانی از شاه‌قلی است^۴ بنابراین جای شک و شبهه‌ای باقی نیست که قبل از دوران شاه صفی تار شش سیمه وجود داشته که شاه‌قلی در طول زمان لازم آن‌را فرا گرفته و به مقام استادی رسیده؛ به گونه‌ای که هنرمندیش آن‌چنان مورد توجه سلطان مراد قرار می‌گیرد، که سلطان نه تنها از کشتن او صرف‌نظر می‌کند بلکه وی را نیز همراه خود به استانبول برده و اجازه اشاعه موسیقی ایرانی را در پایتخت عثمانی به او اعطا می‌کند. بنابر

۱. شاید هم سیم‌های کوک دوم و سوم رباب همان فاصله ذوالاربع نسبت به سیم‌های اول و دوم یعنی فاصله چهارم درست بوده و در اثر مرور زمان در حال حاضر تبدیل به لا زیر حامل شده است.

۲. در واقع برای وسعت عود از عرض و برای وسعت تار از طول بهره گرفته‌اند.

۳. در اصل کتاب کلمه دست از روی اشتباه دسته آمده.

۴. مأخذ گفته‌های خان ملک ساسانی از کتاب هامرپورگسال تاریخ امپراطوری عثمانی جلد نهم است.

30. ابول

Musical score for '30. ابول' (Abul) in G major, 2/4 time. The score consists of five staves of music. The first staff begins with a treble clef and a key signature of one sharp (F#). The music is characterized by a steady eighth-note rhythm. Performance markings include 'M' (marcato), 'V' (vibrato), and 'A' (accent). Fingerings are indicated by numbers 1-4. The piece concludes with a double bar line.

31. دست‌نگار

Musical score for '31. دست‌نگار' (Dast-Negar) in G major, 2/4 time. The score consists of three staves of music. The first staff begins with a treble clef and a key signature of one sharp (F#). The music features a steady eighth-note rhythm with frequent slurs. Performance markings include 'M' (marcato), 'V' (vibrato), and 'A' (accent). Fingerings are indicated by numbers 1-4. The piece concludes with a double bar line.

32. زیرافکن

Musical score for '32. زیرافکن' (Zirafkan) in G major, 2/4 time. The score consists of two staves of music. The first staff begins with a treble clef and a key signature of one sharp (F#). The music features a steady eighth-note rhythm with frequent slurs. Performance markings include 'A' (accent). Fingerings are indicated by numbers 1-4. The piece concludes with a double bar line.

8. بیداد
(تدریس کلاس)

V A 3 M M 3

V +

A +

V A

V A

V A 3

P p P p

به نظر نگارنده تدریس کلاس بهتر است.

9. نی داوود

B B A

A V V V V V V

B B A A E V

rit.....